



بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال 90 - 1 / فروردین / 1390

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على النبي الأعظم و الصراط الأقوم و اشرف ولد آدم ؛ سيدنا و نبينا
ابى القاسم المصطفى محمد ؛ و على آله الأطيبيين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين ؛ سيما بقية الله
فى الأرضين.

خداوند متعال را سپاسگزارم که يك بار ديگر عمر داد و توفيق داد که اين موقعيت بسيار مبارك و مغتنم را درك کنم ؛ روز اول سال در جوار آستان حضرت على بن موسى الرضا (ارواحنا فداه و صلوات الله عليه). عيد سعيد نوروز و آغاز سال نو را تبريك عرض ميکنم به همه‌ی شما برادران و خواهران و حضار عزيزى که در اين مجلس باشکوه و با عظمت حضور پيدا کرده‌ايد ؛ چه در اين شبستان بزرگ، چه در صحنه‌های متعدد که مردم عزيز ما، برادران ما و خواهران ما در آنجا حضور دارند و سخن را ميشنوند. اين جمعيت در واقع نمونه‌ای از ملت ايران است. در اين روز، از نقاط مختلف کشور، از شهرهای گوناگون، از راه‌های دور و نزديک، مردم عزيز ما در اين بارگاه و در سایه‌ی بلنديپایه‌ی حضرت ابى الحسن الرضا (عليه السلام) حضور پيدا ميکنند و متبرک ميشوند. برادران و خواهران مشهدي هم در اين جمع عظيم حضور دارند. به همه سلام عرض ميکنم و تبريك ميگويم.

عيد نوروز ايراني برای همه‌ی ما مردم ايران و نيز مسلمانانی که در کشورهای ديگر عيد نوروز را ميشناسند و گرامی ميدارند، فرصت مغتنمی است برای اينکه از اين روز و از اين مناسبت، در سمت و سوی حرکت اسلامى استفاده کنيم. دأب و ديدن اسلام اين است: از همه‌ی فرصتها، از همه‌ی لحظه‌های زندگى، از همه‌ی مقاطع حيات در شکله‌های گوناگون استفاده شود، برای تکامل انسان، برای پيشرفت معنوی و مادى نوع بشر. ما ايرانی‌ها ميتوانيم با استفاده‌ی از اين مناسبت، به کارهائی که اسلام ما را به آن دعوت کرده است، و در جهت احکام اسلامى و معارف اسلامى حرکت کنيم ؛ خودمان را با اهداف عاليه‌ی اسلام آشنا کنيم. در اين ايام، صله‌ی رحم، توجه به خدای متعال، شنيدن سخنان خوب از يکديگر، و اجتماع در مراکز دينی و معنوی، از آن فرصتهای مغتنمی است که بايد از آن استفاده کرد.

حقيقت اين است که مردم عزيز کشور ما در طول ساليان متمادى و بخصوص در اوقات حاکميت نظام اسلامى بر کشور، از عيد نوروز هم برای معنويت، برای معرفت، برای نزديکی به خدا استفاده کرده‌اند. شاهد هم اين است که شما در ساعت تحويل اگر ملاحظه کنيد، می بينيد بيشتر مردم در مراکز دينی، در بارگاه‌ها، در زيارتگاه‌ها و مشاهد مشرفه و در مساجد مشغول توجه و دعا و ذکرند. معنای اين حرکت عظيم اين است که ملت ايران از اين آئين و از اين سنت هم برای دين بهره‌بردارى ميکند. اين بايد خط شاخصی باشد برای ما در همه‌ی امور، که برای پيشرفت معرفت خود، معنويت خود، دين خود، استقرار احکام اسلامى و معارف اسلامى و اخلاق اسلامى بهره‌بردارى کنيم.



امیدوارم خداوند متعال همه‌ی ما و همه‌ی ملت ایران را بر این کار موفق بدارد.

امروز در این فرصتی که خدای متعال این دیدار بابرکت را نصیب کرده است، سه مطلب را من به شما برادران و خواهران عزیز مشهدی و زوار محترم عرض خواهم کرد.

مطلب اول، يك گزارشگونه‌ی جمع‌بندی شده‌ای است از سال 89. با يك نگاه کلان ببینیم در سال 89 ملت ایران و مسئولان کشور در چه جهتی حرکت کردند و چگونه راه را پیمودند. مطلب دوم در مورد سال جاری است که امروز آغاز میشود؛ با توجه به شعاری که برای امسال به ملت عزیزمان عرض کرده‌ام - یعنی «جهاد اقتصادی» - و آنچه که مناسب است در این زمینه انجام بگیرد. قسمت سوم، نگاهی به مسائل منطقه است؛ مسائل خاورمیانه، مسائل شمال آفریقا و آنچه که در این منطقه‌ی اسلامی در حال رخ دادن است، با توجه به تزویر و ترفندی که دشمنان امت اسلامی در این رابطه در پیش گرفته‌اند.

در بخش اول میتوانم عرض کنم که شعار سال 89 - یعنی «همت مضاعف و کار مضاعف» - در طول سال مورد توجه قرار گرفت و ملت ما در بخشهای گوناگون توانستند حقیقتاً از خودشان يك همت والا و بلند نشان دهند و کار مضاعف انجام بگیرد. البته نتایج همت بلند و کار مضاعف در بلندمدت شناخته خواهد شد؛ اما در همین نگاه ابتدائی هم که انسان نگاه میکند به اوضاع سال 89 و آنچه که مسئولان کشور انجام دادند و آنچه که ملت عزیز ما در همراهی با مسئولان و خودشان آن را نشان دادند و به عرصه آوردند، نشانه‌های همت مضاعف و کار مضاعف را می‌بیند. در بسیاری از عرصه‌ها این معنا مشهود است.

از علم و فناوری آغاز میکنیم. در آغاز سال 89 - در ایام عید - بنده توفیق پیدا کردم از يك بخش صنعتی حساس کشور بازدید کنم؛ در روزهای آخر اسفند هم مجدداً توفیق پیدا کردم که از يك نمایشگاه کارهای برجسته‌ی علمی و فناوری بازدید کنم و نتایج این حرکت یکساله را که خود، محصول کارهای طولانی‌مدت است، به چشم ببینم. آنچه که در بخش دانش پیشرفته و فناوری بالا امروز در کشور وجود دارد و در حال وقوع است، بسیار بیش از آن مقداری است که به مردم اطلاع‌رسانی شده است؛ این را من میتوانم به شما عرض کنم. از چند سال پیش، يك حرکت علمی برجسته‌ای در بخشهای مختلف آغاز شده است، که خوشبختانه روزبه‌روز بر شتاب این حرکت افزوده شده است.



من يك وقتى اين روايت را كه از معصوم (عليه السلام) است، عرض كردم، كه فرمود: «العلم سلطان»؛ يعنى علم و دانش براى يك ملت و براى يك فرد مايهى اقتدار است. «من وجده صالح و من لم يجده صيل عليه»؛ كسى كه اين قدرت را پيدا كند، دست برتر را دارد و آن كسى كه نتواند قدرت علمى را به دست بياورد، زيردست باقى ميمانند و ديگران بر او دست برتر را خواهند داشت. علم و فناورى يك چنين خصوصيتى دارد. امروز حركت كشور در جهت به دست آوردن دانش و فناورى در بسيارى از رشته‌ها، بخصوص در رشته‌هاى بسيار نو و برتر كشور مشهود است. در بخش‌هاى گوناگون؛ در بخش زيست فناورى، در بخش هوافضا، در بخش نانوفناورى، در بخش سلولهاى بنيادى، در توليد راديو داروهاى بسيار مهم، در توليد داروهاى ضد سرطان، در توليد موتور توربينهاى بادي كه وابستگى انرژى كشور را از نفت تا حدود زيادى از بين ميبرد، در توليد ابررئانه‌ها كه براى كشور بسيار مهم است، در فناورى انرژى‌هاى نو - كه همه‌ى اينها از دانشهاى سطح بالاي دنيا هستند - خوشبختانه انسان مشاهده مي‌كند كه دانشمندان ما و جوانان ما به نحو فزاينده و شتابنده مشغول پيشروى هستند؛ به طوري كه من در پيام نوروزى هم ديشب عرض كردم، آدرسها و گزارشهاى مراكز معتبر بين‌المللى نشان ميدهد كه در اين قسمت، كشور شما از بسيارى از كشورهاي عالم پيشتر دارد حركت مي‌كند و شتاب كشور چندين برابر متوسط شتاب جهاني است.

دو سه نکته‌ى مهم در اين قضيه‌ى پيشرفت علم و فناورى وجود دارد كه من مناسب ميدانم عرض كنم. نکته‌ى اول اين است كه بيشتر اين دانشمندانى كه اين كارها را دارند انجام ميدهند، دانشمندان جوانند. عمر متوسط دانشمندانى كه در اين كارها مشغول فعاليت هستند، سي و پنج سال است - يعنى غالباً جوان - كه حتماً بايستي به اين جوانها اعتماد بشود. البته اساتيد كارگشته و مؤمن هم در اين كار نيز مشغول هستند، كه بسيار مغتنم است.

نكته‌ى بعد اين است كه مجموعه‌اى كه اين كارهاى عظيم و گسترده را انجام ميدهد، داراي روحيه‌ى قوي، داراي اعتماد به نفس بالا، داراي خودباورى است؛ كه سرمايه‌ى اصلى اين است. سرمايه‌ى اصلى، نيروي انساني است. آنچه كه كشور ما دارد، اين است. جوانهاى ما با روحيه‌ى قوي در حال پيشروى در اين ميدانند و باور دارند كه همه‌ى كارهايى كه زيرساختهاى آن در كشور آماده باشد، از دست آنها ساخته است.

نكته‌ى بعدى در مسئله‌ى پيشرفت علم اين است كه زنجيره‌ى علم، فناورى، توليد محصول و تجارى‌سازى - كه اين زنجيره‌ى بسيار مهمى است - در حال شكل‌گيرى است؛ يعنى دانش را توليد مي‌كنند، آن را تبديل به فناورى مي‌كنند، محصول را توليد مي‌كنند، محصول را به بازار تجارت جهاني مي‌آورند و براى كشور توليد ثروت مي‌كنند. اين دانش فقط دل خوشكنك نيست، كه ما بدانيم حالا در اين زمينه پيشرفت كرديم؛ نه، اين دانش كشور را ثروتمند مي‌كند، سودش به همه‌ى مردم ميرسد. اين، كشاندن مسير توليد علم به ثروت ملي كشور است و پاسخگويى به نيازهاى ملت. اين در زمينه‌ى علم، كه حقاٌ و انصافاً همت مضاعف و كار مضاعف در آن مشهود است.



زمینه‌ی دیگری که در آن، همت مضاعف را انسان مشاهده میکند و به دنبال خود، دریائی از کار به وجود می‌آید، مسئله‌ی عرصه‌های اقتصادی است که یک نمونه‌ی آن، گام بلند هدفمند کردن یارانه‌هاست. خوب است ملت عزیز ما بدانند که همه‌ی صاحب‌نظران اقتصادی - چه آن کسانی که از لحاظ دیدگاه‌های اقتصادی با دولت فعلی موافقند، و چه آن کسانی که دیدگاه‌های اقتصادی آنها مخالف با نظرات دولت فعلی است - متفقند که هدفمند کردن یارانه‌ها یک کار بسیار لازم، بسیار اساسی و بسیار مفید است. این، جزو آرزوهائی بود که سالهای گذشته از دولت‌ها مطالبه میشد. ورود در این میدان، کار دشوار و سختی است؛ زمینه‌ها هم آماده نبود. بحمدالله اکنون این کار شروع شده است. همکاری ملت و دولت در این زمینه هم انصافاً عالی بود. حرکت مردم در جهت هدفمند کردن یارانه‌ها، حرکت عالی‌ای بود. آثار این کار در آینده بتدریج آشکار میشود؛ اگرچه تا امروز هم بعضی از آثار مثبت آن آشکار شده است. اهداف مهم این کار، در درجه‌ی اول، توزیع عادلانه‌ی یارانه‌هاست. دستگاه مدیریت کشور یارانه‌هائی را بین مردم تقسیم میکند. با شکل قبلی، این یارانه‌ها به کسانی که بیشتر پول داشتند، بیشتر مصرف میکردند، بیشتر میرسید؛ اما به کسانی که کمتر پول داشتند، کمتر مصرف میکردند، این یارانه‌ها کمتر میرسید. با هدفمند کردن یارانه‌ها، توزیع عادلانه انجام میگردد؛ یعنی به همه، به نسبت واحدی میرسد. این، یک گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی است.

یک هدف دیگر، مدیریت مصرف منابع عمومی کشور است؛ از جمله آب، از جمله انرژی. در دو سال قبل از این، ما شعار سال را «اصلاح الگوی مصرف» قرار دادیم؛ صرفه‌جویی، دوری از اسراف. این، یکی از راههائی است که میتواند الگوی مصرف را به معنای واقعی کلمه اصلاح کند؛ کماینکه تاکنون هم آثاری از آن دیده شده است. در همین چند ماهی که هدفمندی یارانه‌ها دارد اجرا میشود، مصرف انرژی پائین آمده است؛ که این به نفع کشور است. اسراف در نان و دور ریختن نان و ضایع شدن گندم - که نعمت بزرگ خداست و با چه زحمتی به دست می‌آید - کم شده است، مصرفها تعادل پیدا کرده است. این از جمله‌ی فوایدی است که تاکنون حاصل شده و البته فواید بسیاری ان‌شاءالله در آینده خواهد داشت. اصلاح ساختار اقتصاد هم از این قبیل است.

از جمله‌ی کارهائی که باز همت مضاعف را در زمینه‌ی اقتصاد نشان میداد، افزایش صادرات غیرنفتی است. بودجه‌ی کشور ما متأسفانه از ده‌ها سال پیش به این طرف، وابسته‌ی به نفت است. این روش را همه‌ی اقتصاددانهای دلسوز رد میکنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوه‌ی غلطی است. من سالها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهائی من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است. البته کار آسانی هم نیست، کار بسیار مشکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب میشود که ما به این هدف نزدیک شویم؛ و این کار دارد انجام میگردد. سال 89 گام بلندی در این راه برداشته شد.



از جمله‌ی چیزهائی که همت مضاعف را در زمینه‌ی اقتصادی نشان میدهد، مواجهه‌ی هوشمندانه و مقتدرانه با تحریمهائی است که غرب به سردمداری آمریکا و متأسفانه پیروی کورکورانه‌ی بعضی از دولتهای اروپائی از آمریکا علیه ایران اعمال کرد. از اول سال 89 اینها به خیال خودشان حرکت تحریم ایران را تشدید کرده‌اند. خودشان در محاسباتشان - که خبرهایش به ما میرسید - صحبت میکردند، میگفتند که این تحریمها پنج شش ماهه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو درمی‌آورد؛ تصورشان این بود. آنها به فکر بودند که به وسیله‌ی تحریمها کار را آنچنان بر ملت ایران دشوار کنند و دایره را آنچنان بر ملت ایران تنگ کنند که ملت ایران به نظام خودشان، به جمهوری اسلامی معترض شوند؛ هدفشان این بود. یک برخورد هوشمندانه و قدرتمندانه‌ای با این تحریمها انجام گرفت و تیغ دشمن گند شد. دشمن نتوانست با این تحریمها به هدفهای خود دست پیدا کند. خوشبختانه با تلاش زیاد، با کار متراکم شبانه‌روزی، مسئولان در بخشهای مختلف توانستند از این عقبه عبور کنند. امروز خود غربی‌ها اعتراف میکنند، میگویند تحریم ایران دیگر فایده‌ای ندارد.

گفتند بنزین را تحریم میکنیم. یکی از مشکلات کار ما در طول زمان همین بوده است؛ ما کشور تولیدکننده‌ی نفت، مبالغ زیادی فرآورده‌ی نفت را که بنزین است، از خارج وارد میکردیم. اینها گفتند این نقطه ضعف جمهوری اسلامی است، نمیگذاریم بنزین وارد شود. مسئولین کشور ما، قبل از آنکه آنها دست به کار شوند، مشغول تهیه‌ی مقدمات شدند. کار به جایی رسید که در تولید بنزین، کشور عزیز ما خودکفا شد؛ این به برکت تحریم آنها بود. «ان الله یؤبد هذا الدین بأقوام لا خلاق لهم». به وسیله‌ی تحریم آنها، مسئولین ما به فکر افتادند؛ تلاش کردند، ما از وارد کردن بنزین بی‌نیاز شدیم. من این را در همین نمایشگاهی هم که آخر اسفند رفتیم، از زبان چند نفر از این دانشمندان جوان شنیدم. به من گفتند که ما میخواستیم این دستگاه را تولید کنیم، رفتیم ابزارش را از خارج تهیه کنیم، به ما گفتند شما تحریمید، به شما نمیدهیم؛ فهمیدیم خودمان باید درست کنیم. آمدیم داخل فکر کردیم، زحمت کشیدیم، تلاش کردیم، بدون احتیاج به بیگانه این را ساختیم. این، برخورد هوشمندانه است. هم مسئولین کشور، هم آحاد مردم، با تحریمهای دشمن اینجور برخورد کردند؛ یعنی دشمن را از بُرنده‌ترین ابزارهائی که در اختیار داشت، محروم کردند. مثل این است که در یک جنگی، شما اسلحه را از دست دشمن بگیرید؛ و گرفتید. این هم یکی دیگر از همتهای مضاعف.

در زمینه‌ی اشتغال، کارهای خوبی انجام گرفته است. گزارش دولت میگوید که در سال 89 یک میلیون و ششصد هزار شغل ایجاد شده است؛ که اگر این گزارش دقیق باشد، معنایش این است که پانصد هزار شغل بیش از پیش‌بینی فراهم شده است. در ایجاد مسکن روستائی، در ایجاد مسکن شهری، در ایجاد بزرگراه‌ها و خطوط مواصلاتی، در ایجاد ارتباطات الکترونیک و و و - که همه‌ی اینها برای کشور کارهای زیرساختی و زیربنائی است - کارهای خوبی صورت گرفته است. این، عرصه‌ی اقتصاد.



در عرصه‌های دیگر هم کارهای زیادی انجام گرفته است، که چون وقت محدود است، می‌گذریم. به هر حال آنچه که سال 89 برای ما مشخص کرده است، این است که بحمدالله این سال به معنای واقعی کلمه، سال همت مضاعف و کار مضاعف بود. البته سال 89 خصوصیت ویژه‌ای ندارد؛ امسال هم، سال بعد هم، ده سال بعد هم، سال همت مضاعف و کار مضاعف است. ملت ایران و مسئولین در هر دوره‌ای بایستی همت بلند و همت مضاعف داشته باشند و کار مضاعف بکنند تا ما بتوانیم به آنجائی که شایسته‌ی ملت ایران است، ان‌شاءالله برسیم.

در مورد شعار امسال و کاری که امسال باید انجام بگیرد. البته سرفصلهای مهمی وجود دارد که همه دارای اولویتند. مثلاً تحول نظام اداری یک کار لازم است که باید انجام بگیرد؛ تحول آموزش و پرورش، یک کار بنیانی است؛ جایگاه علوم انسانی در دانشگاه‌ها و در مراکز آموزش و تحقیق، یک کار اساسی است؛ مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، مسائل مربوط به اخلاق جامعه، این کارها همه‌اش کارهای مهمی است؛ لیکن به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه‌ی از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گامهای بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.

آنچه که در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده‌ی در برنامه‌ی پنجم است که اعلام شده است؛ یعنی حداقل رشد هشت درصدی. در این رشد، سهم بیشتر مربوط به بهره‌وری است؛ یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به شکل بهتری استفاده کنیم. من دو سال قبل در زمینه‌ی مسئله‌ی صرفه‌جویی و مشکلاتی که در باب بهره‌وری وجود دارد، در همین سخنرانی اول سال مطالبی عرض کردم. مردم باید اینها را بدانند. من به مسئولان کشور توصیه می‌کنم که در زمینه‌ی اهمیت ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله‌ی درآمدی دهکهای بالا و پائین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخشهای مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکافها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمی‌پسندد. تا حدی که در برنامه‌ی پنجم تعیین شده است، باید تلاش کنند این کارها انجام بگیرد.

کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال در کشور، از جمله‌ی مسائل بسیار اساسی و مهم است. همچنین مسئله‌ی افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، از جمله‌ی مسائل مهم و اساسی است؛ که یکی از کارهای مهم در این باب، ایجاد تعاونی‌هاست، که به وسیله‌ی تعاونی‌ها سرمایه‌های بزرگ تشکیل بشود و بتوانند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری



کنند و گره‌های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد. بایستی زیرساخت‌های حقوقی و قانونی‌اش آماده شود. این، یعنی حمایت از شکوفائی کار.

صرفه‌جوئی در مواد اساسی، از جمله صرفه‌جوئی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف میکنیم، در بخش کشاورزی مصرف میشود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه‌های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد. غیر از بخش کشاورزی، در همه‌ی بخش‌های دیگر - بخش خانگی، بخش صنعتی و بخش‌هایی که احتیاج به آب دارد - ما فقط از ده درصد آب کشور داریم استفاده میکنیم. اگر ما بتوانیم در بخش کشاورزی ده درصد صرفه‌جوئی کنیم، ببینید چه اتفاقی می‌افتد. در واقع امکانات بهره‌برداری از آب در بخش غیر کشاورزی دو برابر میشود؛ که این بسیار چیز مهم و باارزشی است.

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان‌شاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، میتوانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان‌شاءالله مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند.

خب، اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال 90 انجام بگیرد، يك الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرستوار عرض بکنم. اولاً روحیه‌ی جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه‌ی جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده میکنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه‌ی جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.

دوم، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه است. عزیزان من! این را همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیائی هم به ملت و به جامعه کمک میکند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شب‌های جمعه در دعای کمیل است. اگر يك ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمینگیر میکند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار میکنند، تلاش میکنند؛ در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی فعالیتهای اجتماعی، در زمینه‌ی فعالیتهای سیاسی، کشور پیشرفت میکند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه‌ی معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد.



يك شرط ديگر اين است كه كشور به مسائل حاشيه‌اي مبتلا نشود. ببينيد، در بسياري از اوقات يك مسئله‌ي اصلي در كشور وجود دارد كه همه بايد همت كنند و به سراغ اين مسئله‌ي اصلي بروند؛ بايد مسئله‌ي كانوني كشور اين باشد؛ اما ناگهان مي‌بينيم از يك گوشه‌اي يك صدائي بلند ميشود، يك مسئله‌ي حاشيه‌اي درست مي‌كنند، ذهنها متوجه آن ميشود. اين مثل اين ميمانند كه در يك مسافرت مهمي، كارواني، قطاري دارد حركت ميكند، هدفش رسيدن به يك نقطه‌ي خاص است؛ ناگهان ذهنها را مشغول كنند به يك چيز حاشيه‌اي در بيابان، از راه باز بمانند، احياناً امکان ادامه‌ي حركت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشيه‌اي نبايد به ميان بيايد. مردم ما خوشبختانه قدرت تحليل دارند، هوشمندند، هوشيارند؛ ميتوانند مسائل فرعي و حاشيه‌اي را از مسائل اصلي جدا كنند. توجه شود مسائل حاشيه‌اي كانون توجه افكار عمومي قرار نگيرد.

يك شرط ديگر، حفظ اتحاد و انسجام ملي است. اين اتحادي كه امروز در ميان مردم و در بين مردم و مسئولين وجود دارد، مردم به مسئولين خودشان علاقه‌مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها كمك مي‌كنند، با آنها همراهي مي‌كنند، بين خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بايستي باقي بماند و روزه‌روز تقويت شود. يكي از نقشه‌هاي بزرگ دشمنان ملت ايران، ايجاد تفرقه و شكاف در داخل بوده است؛ به بهانه‌ي قوميت، به بهانه‌ي مذهب، به بهانه‌ي گرايشهاي سياسي، به بهانه‌ي جناح‌بندي‌ها، به بهانه‌هاي گوناگون. اتحاد را بايد حفظ كرد. خوشبختانه ملت ما آگاهند. همهي كساني كه به كشورشان علاقه‌مندند، به نظام مردم‌سالاري ديني - كه مايه‌ي افتخار امروز ملت ايران است - علاقه‌مندند، بايد با هم هماهنگي داشته باشند. مسئولين كشور هم همين جور؛ آنها هم بايد سعي كنند اگر گله‌اي از هم دارند - كه گاهي ممكن است اين گله‌ها بحق هم باشد - اين گله را در معرض افكار عمومي مطرح نكنند؛ اين ضربه‌ي به اتحاد ملي است؛ اين را همه توجه داشته باشند. من به مسئولين كشور به طور جد اين را تذكر و هشدار مي‌دهم. ممكن است مسئولين از هم گله داشته باشند - كه هميشه بوده؛ از اول انقلاب كه ما دست‌اندركار مسائل بوديم،ديديم؛ گاهي قوه‌ي مجريه از قوه‌ي مقننه، گاهي قوه‌ي مقننه از قوه‌ي قضائيه، گاهي قوه‌ي قضائيه از قوه‌ي مجريه گله‌هائي داشتند؛ طبيعت كار هم همين است، گله به وجود مي‌آيد - ممكن است گله‌ها بحق هم باشد؛ اما اين را نبايد در عرصه‌ي افكار عمومي بياورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت كنند، مردم را مأیوس كنند؛ بين خودشان حل كنند. مهمترين مسائل دنيا با مذاكره قابل حل است؛ اين مسائل جزئي اهميتي ندارد. پس انسجام قوا با يكديگر، هماهنگي قوا با يكديگر هم مهم است.

البته من اين نکته را حتماً تذكر بدهم؛ گاهي اوقات اين شعاري كه ما براي سال اعلام مي‌كنيم، بعد ناگهان مي‌بينيم همهي در و ديوارهاي تهران و شهرهاي ديگر پر شده از تابلو، كه اين شعار روپوش نوشته شده. اين فايده‌اي ندارد. گاهي كارهاي پرهزينه‌اي انجام ميگيرد؛ چه لزومي دارد؟ آنچه كه من از مسئولين و از مردم عزيزمان توقع دارم، اين است كه اين شعار را بشنوند، باور كنند و دنبال كنند. تابلو كردن و در و ديوار را پر كردن و عكس زدن و اينها هيچ لزومي ندارد. اگر هزينه‌اي نداشته باشد، لزومي ندارد؛ اگر هزينه داشته باشد، اشكال هم دارد. هيچ لزومي



ندارد کارهای پرهزینه را انجام بدهند.

البته محوریت اقتصاد که من عرض کردم، به معنای غفلت از عرصه‌های دیگر تلقی نشود. در عرصه‌های دیگر، مخصوصاً در همان عرصه‌ی علم و فناوری، باید به این دانشمندان جوان کمک شود، به آنها اعتماد شود تا بتوانند کارهای بزرگ را انجام دهند.

و اما مسائل منطقه. حوادثی که اخیراً در منطقه اتفاق افتاده است - حوادث مصر، تونس، لیبی، بحرین - حوادث بسیار مهمی است. يك تحول بنیانی دارد در این منطقه‌ی اسلامی و عربی انجام میگیرد؛ این نشانه‌ی بیداری امت اسلام است. همین چیزی که ده‌ها سال است شعار آن در جمهوری اسلامی داده میشود، امروز در متن زندگی این کشورها دارد خود را نشان میدهد.

دو خصوصیت در این تحولات وجود دارد: یکی عبارت است از حضور مردم، و دیگری عبارت است از سمت و سوی دینی در این حرکتها. این، دو عنصر اساسی است. حضور مردم با جسم خودشان؛ همان اتفاقی که در انقلاب اسلامی افتاد. احزاب و پشت میز نشین‌ها و برج عاج نشین‌ها و تحلیلگرهای ذهنی هیچ کاری نتوانستند انجام دهند. هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که توانست مردم را وارد صحنه کند. وقتی مردم به عرصه آمدند، جسم خودشان را، دل خودشان را، نیت و همت خودشان را وارد عرصه کردند، گره‌های کور باز شد، راه‌های بن‌بست گشوده شد. امروز همین اتفاق دارد در کشورهای دیگر می‌افتد. در مصر یا در تونس مردم آمدند وارد صحنه شدند؛ والا روشنفکران و برج عاج نشین‌ها همیشه بودند، همیشه هم حرف میزدند؛ خیلی از اوقات هم مردم را دعوت میکردند، کسی به حرف آنها چندان توجهی نمیکرد. اینجا خود مردم وارد صحنه و عرصه شدند و گرایش و جهتگیری آنها هم جهتگیری دینی است؛ یعنی نماز جمعه است، نماز جماعت است، نام خداست، علمای دینند، افراد مبلغ دین و بنیانگذاران تفکر نوین دینی در بعضی از کشورها هستند. اینها وارد میدان شدند، لذا مردم هم آمدند توی صحنه. این، خصوصیت این قضیه است. چرا آمدند؟ آن چیزی که آنها را کشاند، به صورت واضحی مسئله‌ی عزت و کرامت انسانی آنها بود. در مصر، در تونس و همچنین در کشورهای دیگر، غرور مردم به دست این حاکمان ظالم جریحه‌دار شده بود. فرض کنید مردم مصر مشاهده میکردند کسی که در رأس کشورشان قرار دارد، به نیابت اسرائیل، کثیف‌ترین کارها و جنایتها را مرتکب میشود. در قضیه‌ی محاصره‌ی غزه اگر حسنی مبارک با اسرائیل همکاری نمیکرد، اسرائیل نمیتوانست غزه را آنچور زیر فشار قرار دهد و آن جنایتها را مرتکب شود. حسنی مبارک وارد میدان شد، کمک کرد، راه ورود و خروج غزه به مصر را بست. بعد اطلاع پیدا کردند که مردم غزه از زیر کانال زدند، از زیرزمین حرکت میکنند. برای اینکه مردم مظلوم غزه دیگر نتوانند این کار را هم انجام دهند، دیوارهای فولادی به ارتفاع سی متر درست کردند، کردند توی زمین، تا راه این کانالها را ببندند! این کارها را حسنی مبارک کرد. خوب، ملت مصر دارند این را می‌بینند؛ لذا غرور ملت جریحه‌دار شد. نظیر این در کشورهای دیگر هم وجود دارد.



مثلاً در لیبی با اینکه قذافی در سالهای اول روی کار آمدن، گرایش ضد غربی نشان میداد، اما در سالهای اخیر خدمات بزرگی به غربی‌ها کرد. آنها هم به چشم خودشان دیدند که با یک تهدید خشک و خالی، این آقا امکانات هسته‌ای خودش را جمع کرد، همه را سوار کشتی کرد، داد به غربی‌ها، گفت ببرید! ببینید ملت ما در چه وضعیتی قرار دارد، آنها در چه وضعیتی قرار دارند. ملت ما مشاهده کرد که همه‌ی دنیا به سردمداری آمریکا علیه حرکت هسته‌ای ایران قیام کردند؛ تحریم کردند، دعوا کردند، تهدید نظامی کردند، گفتند حمله میکنیم، چه میکنیم. مسئولین کشور نه فقط عقب‌نشینی نکردند، بلکه علی‌رغم دشمن، امکانات هسته‌ای خودشان را هر سال چندین برابر از سال قبل بیشتر کردند. آنجا مردم دیدند که مسئول کشورشان دستور داد همان امکاناتی که داشتند، همه را در مقابل تهدید غربی‌ها، یا به قول خودشان در مقابل مشوقهای غربی‌ها جمع کردند. مثل اینکه یک آب‌نبات ترشی، شکلاتی توی دهن یک بچه‌ای بگذارند، به اینها مشوق دادند، اینها هم همه را از دست دادند و رفتند! خب، ملت این را می‌بیند، دلش خون میشود، غرورش جریحه‌دار میشود. در همه‌ی این کشورهایی که مردم آنها قیام کردند، این قضیه مشاهده میشود.

خب، موضع آمریکائی‌ها چه بود؟ برای ما این مهم است. آمریکائی‌ها اول در مقابل این حوادث متحیر ماندند، دچار بی‌تحلیلی شدند؛ نمی‌فهمیدند چه دارد اتفاق می‌افتد، باورش‌ان نمی‌آمد. بعد از آنکه این حوادث اتفاق افتاد، چون تحلیل درستی از حوادث نداشتند، مردم را نمیشناختند، مواضع متناقضی گرفتند. البته آنچه که تا امروز در مورد این کشورها و دیگر کشورها همواره در رفتار آمریکائی‌ها دیده شده، پشتیبانی از دیکتاتورها بوده است. از حسنی مبارک تا آخرین لحظه‌ای که میشد دفاع کنند، دفاع کردند؛ بعد دیدند دیگر نمیشود، آن وقت انداختنش دور! این هم یک درس عبرتی است برای سردمداران وابسته‌ی به آمریکا که بدانند آن وقتی که دیگر تاریخ مصرف خود را طی کنند و فایده‌شان را از دست بدهند، اینها مثل یک پارچه‌ی کهنه‌ای آنها را دور می‌اندازند و به آنها اعتنائی نمیکنند! اما اینها تا آخرین لحظه از دیکتاتور دفاع و حمایت کردند.

آنچه که برای غرب و برای آمریکا اتفاق افتاد، حقیقتاً غیر قابل تحمل بود و هست. مصر یکی از ستونهای اصلی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکاست؛ به این سیاست متکی بودند. آنها نتوانستند این ستون را به نفع خودشان حفظ کنند؛ ملتها فائق آمدند. آمریکائی‌ها تلاش کردند شاکله‌ی آن نظام را حفظ کنند. این تزویرها و ترفندهای آمریکائی غربی است، موزیانه و خبثات‌آلود، اما در عین حال سطحی؛ که اگر ملتها هوشیار باشند، میتوانند این تزویرها را رو کنند، این ترفندها را باطل کنند. آمریکائی‌ها سعی کردند حالا که حسنی مبارک را در مصر یا بن‌علی را در تونس از دست دادند، شاید بتوانند شاکله‌ی نظام را حفظ کنند. آدمها عوض بشوند، اما نظام باقی بماند؛ لذا اصرار و پافشاری کردند که در آن کشورها یک نخست‌وزیر حتماً باید بماند؛ اما ملتها قیام خودشان را ادامه دادند، بر این ترفند هم فائق آمدند و این دولتها را هم ساقط کردند. به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، سلسله‌ی شکستهای آمریکا در این منطقه ادامه پیدا خواهد کرد.



اینها بعد از آنکه عوامل خود را در این کشورها از دست دادند، دو تا ترفند را در پیش گرفتند: یکی فرصت‌طلبی، یکی شبیه‌سازی. فرصت‌طلبی‌شان این بود که خواستند این انقلابها را مصادره کنند؛ یعنی سر مردم را کلاه بگذارند، با آنها اظهار همراهی کنند، افراد طرفدار خودشان را سر کار بیاورند. آنها در این کار شکست خوردند. دوم، شبیه‌سازی بود. شبیه‌سازی یعنی شبیه آنچه را که در مصر و در تونس و در لیبی و در بعضی از کشورهای دیگر اتفاق افتاده است، مثلاً بتوانند در ایران - ایران مردم‌سالاری دینی، ایران ملت - پیاده کنند! عواملشان در داخل کشور، مردمان ضعیف، فرومایه، حقیقتاً دستخوش هوی‌های نفسانی، سعی کردند شاید بتوانند این کار را بکنند. خواستند در اینجا حرکت شکست‌خورده، حرکت کاریکاتوری مضحك به وجود بیاورند؛ اما خب، ملت ایران توی دهنشان زد. ... (1) منافق واقعی آمریکاست. نفاق واقعی، عملی است که اینها دارند انجام میدهند؛ ادعای دفاع از ملتها. در مورد مصر نفاق به خرج میدهند، میگویند ما طرفدار ملتیم؛ دروغ میگویند. اینها با دشمن ملت تا لحظه‌ی آخر همکاری کردند. در مورد تونس عین همین حرف را میزنند، میگویند طرفدار ملتیم. حالا بد نیست ملت عزیز ما بدانند که رئیس‌جمهور آمریکا به ملت ایران پیغام داده که ما طرفدار شما هستیم! ادعا میکنند که ما با دیکتاتوری مخالفیم، با حقوق ملتها موافقیم؛ دروغ میگویند. اینها نه فقط به ملتهای دیگر رحم نمیکنند، بلکه به ملت خودشان هم رحم نمیکنند. همین رئیس‌جمهور کنونی آمریکا هزارها میلیارد دلار را در وضعیت اقتصادی بسیار بد رکود آمریکا از کیسه‌ی ملت آمریکا صرف کرد برای اینکه بانکها را زنده نگه دارد، صنایع اسلحه‌سازی را زنده نگه دارد، صنایع نفت را زنده نگه دارد؛ یعنی کمپانی‌ها را. از جیب مردم صرف کمپانی‌ها میکنند، کیسه‌ی کمپانی‌ها را پر میکنند، کیسه‌ی بانکها را پر میکنند؛ لذا به مردم خودشان هم رحم نمیکنند. امروز ملت آمریکا در بحران اقتصادی همه‌گیر عمیق دست و پا میزنند، راه‌های هم ندارند. حالا شکنجه‌گاه گوانتانامو و ابوغریب عراق و بقیه‌ی شکنجه‌گاه‌ها باز داستان جداگانه و مفصلی است. اینها ملتها را نمیفهمند، درک نمیکنند. آیا رئیس‌جمهور کنونی آمریکا میفهمد چه دارد میگوید؟ واقعاً متوجه است که پشت سر سیاستهای او کی‌اند، یا نمیفهمد و غافل و گیج است؟ این را دیگر ما نمیدانیم. میگوید مردم در میدان آزادی تهران، همان مردم میدان التحریر مصرند. راست میگوید؛ در بیست و دوی بهمن هر سال، در میدان آزادی، همین ملتند که جمع میشوند و شعار آنها «مرگ بر آمریکا» است.

در قضایای منطقه، موضع نظام جمهوری اسلامی روشن است. موضع ما، دفاع از ملتها و حقوق ملت‌هاست. ما با ملتهای مسلمان و ملتهای مظلوم در هر نقطه‌ی عالم موافقیم؛ با زورگویان و مستکبران و دیکتاتورها و خبیثها و سلطه‌گران و غارتگران در هر نقطه‌ی دنیا مخالفیم؛ این موضع ملت ایران و موضع نظام اسلامی است؛ این موضع آشکار و عیان نظام جمهوری اسلامی است. سیاستها این است، دلها این است، منطقها و بیانه‌ها هم این است؛ هم از سوی ملت، هم از سوی مسئولین.

دو نقطه‌ی قابل توجه وجود دارد: یک نقطه لیبی است، یک نقطه بحرین است. در قضیه‌ی لیبی، ما رفتاری را که دولت لیبی با مردم در پیش گرفته بود و در پیش گرفته است - کشتار مردم، فشار بر مردم، بمباران شهرها، کشتن



غیر نظامیان - صد درصد محکوم میکنیم؛ اما ورود آمریکائی‌ها، دخالت آمریکا و غربی‌ها را هم صد درصد محکوم میکنیم. آنها ادعا میکنند که ما میخواهیم به دفاع از مردم وارد لیبی شویم، یا در لیبی عملیات نظامی انجام میدهیم؛ این اصلاً قابل قبول نیست. آنها اگر حقیقتاً طرفدار مردم لیبی بودند، اگر دلشان به حال مردم لیبی میسوخت، الان یک ماه است که مردم لیبی دارند بمباران میشوند؛ میخواستید کمکشان کنید، به آنها اسلحه بدهید، امکانات بدهید، ضد هوایی بدهید. به جای این کارها، یک ماه نشستند کشتار مردم را تماشا کردند؛ حالا میخواهند وارد شوند! پس شما به دفاع از مردم نیامده‌اید؛ شما دنبال نفت لیبی هستید، شما دنبال گرفتن جای پا در لیبی هستید. شما میخواهید از لیبی به عنوان یک جای پا استفاده کنید تا دولتهای انقلابی آینده‌ی مصر و تونس را که دو طرف لیبی قرار دارند، زیر نظر داشته باشید. نیت شما نیت فاسدی است. ما قبول نمیکنیم این حرکتی را که غربی‌ها به سردمداری آمریکا دارند انجام میدهند. سازمان ملل که باید در خدمت ملتها باشد، متأسفانه شده آلت دست اینها؛ هرچه مورد نیاز اینهاست، برایشان فراهم میکند! این ننگ است برای سازمان ملل. بنابراین در لیبی حضور قدرتهای بیگانه، حضور غربی‌ها هیچ قابل قبول نیست. اگر میخواهند به مردم لیبی کمک کنند، راه کمک برای مردم باز است؛ میتوانند مردم را کمک کنند، تجهیز کنند، مردم خودشان مسئله‌شان را با قذافی و دیگران حل کنند؛ شما چرا وارد میشوید؟

و اما مسئله‌ی بحرین. مسئله‌ی بحرین از لحاظ ماهیت، درست مثل مسائل دیگر کشورهای منطقه است. یعنی مسئله‌ی بحرین با مسئله‌ی مصر، با مسئله‌ی تونس، با مسئله‌ی لیبی هیچ فرقی ندارد؛ ملتی هستند، حکومتی بر سر آنهاست که حقوق آنها را نادیده میگیرد. ملت بحرین با این قیامشان چه میخواستند؟ خواسته‌ی اساسی آنها این است که انتخابات انجام بگیرد، هر یک نفر آدم یک رأی داشته باشد؛ این چیز زیادی است؟ این توقع زیادی است؟ در شکل کار در بحرین یک صورت انتخاباتی وجود دارد، لیکن مطلقاً مردم آنجا از حق رأی دادن به این معنا که هر یک نفر یک رأی داشته باشد، برخوردار نیستند؛ دارد به آنها ظلم میشود. خب، اینجا غربی‌ها فرصت را مغتنم شمردند، برای اینکه در قضایای منطقه دخالت کنند، با طرح یک مسئله‌ی جدید؛ مسئله‌ی شیعه و سنی. چون مردم بحرین بیچاره‌ها شیعه‌اند، بنابراین هیچ کس در دنیا نباید از آنها حمایت کند! تلویزیونهای که جزئیات قضایای منطقه را پخش میکردند، نسبت به قضایای بحرین سکوت کنند، کشتار مردم بحرین را منعکس نکنند؛ یک عده‌ای هم در بیابند در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس - چه سیاستمدار، چه روزنامه‌نگار - گزافه‌گوئی کنند، بگویند مسئله‌ی بحرین جنگ بین شیعه و سنی است! چه جنگ بین شیعه و سنی؟ اعتراض یک ملت است به ظلمی که دارد به او میشود؛ درست همان جوری که در تونس بود، همان جوری که در مصر بود، همان جوری که در لیبی است، همان جوری که در یمن است؛ فرقی ندارد. آمریکائی‌ها خوشحالند که بتوانند به وسیله‌ی بوقهای تبلیغاتی خودشان در منطقه، مسئله‌ی بحرین را به عنوان یک مسئله‌ی اختلاف بین شیعه و سنی جا بزنند؛ هم کمکهای که ممکن است به این مردم مظلوم بشود، جلویش را بگیرند، هم ماهیت قضایا را عوض کنند و سرایت بدهند. میگویند چرا ایران از مردم بحرین پشتیبانی میکند. خب، ما از همه پشتیبانی کردیم. ما سی و دو سال است که از مردم فلسطین داریم پشتیبانی میکنیم؛ کدامیک از کشورها، دولتها و ملتها در این سی و دو سال این پشتیبانی را کردند؟ مگر ملت فلسطین شیعه‌اند؟ در مورد غزه مردم ما چقدر تلاش کردند. جوانهای ما رفتند فرودگاه که راه بیفتند بروند غزه! عازم بودند بروند غزه، علیه اسرائیل بجنگند. خیال میکردند راه باز است. راه بسته بود، نمیشد بروند. ما گفتیم نروید. جلوشان را گرفتیم که وسط راه سرگردان نشوند؛ راه نمیدادند که. مردم ما نسبت به غزه، نسبت به فلسطین، نسبت



به مصر، نسبت به تونس، همه جا ابراز احساسات کردند؛ آنها که شیعه نبودند. بنابراین بحث شیعه و سنی نیست. بدخواهانه و بددلانه سعی میکنند مسئله‌ی بحرین را به عنوان یک مسئله‌ی شیعه و سنی وانمود و قلمداد کنند. متأسفانه بعضی از کسانی که آدم خیال میکنند انگیزه‌ی سوئی هم ندارند، در این دام افتادند. اگر خیرخواهانی در این بین وجود دارند، من به آنها اعلام میکنم: مسئله را مسئله‌ی شیعه و سنی نکنید؛ این بزرگترین خدمت به آمریکاست؛ این بزرگترین خدمت به دشمنان امت اسلامی است که حرکت عمومی ضد استبدادی یک ملت را حمل میکنند به دعوی شیعه و سنی؛ دعوی شیعه و سنی وجود ندارد.

ما بین غزه و فلسطین و تونس و لیبی و مصر و بحرین و یمن تفاوتی نمیگذاریم. در همه جا ظلم به ملت‌ها محکوم است. حرکت ملت‌ها با شعار اسلام و در جهت آزادی، مورد تأیید ماست. اوج وقاحت آمریکائی‌ها آنجائی است که دخالت تانک‌های دولت سعودی را که آمدند توی خیابان‌های منامه‌ی بحرین، دخالت نمیدانند؛ اما وقتی مراجع تقلید ما، علمای ما، خیرخواهان ما میگویند مردم را نکشید، میگویند شما دخالت کردید! این دخالت است؟! اینکه ما به یک دولتی، یک رژیم ظالمی خطاب کنیم، بگوئیم مردم خودتان را نکشید، این دخالت است؛ اما آمدن تانک‌های بیگانه توی خیابان‌های بحرین، دخالت نیست! این اوج وقاحت آمریکائی‌ها و اذنباشان در منطقه است که اینجور حرکت میکنند، اینجور حرف میزنند، اینجور تبلیغات میکنند. البته به نظر ما دولت سعودی اشتباه کرد، نباید این کار را میکرد؛ خودش را در منطقه منفور میکند. خب، آمریکائی‌ها هزاران کیلومتر با اینجا فاصله دارند؛ اگر منفور هم بشوند، ممکن است برایشان آنقدر اهمیت نداشته باشد؛ لیکن سعودی در این منطقه دارد زندگی میکند؛ ملت‌ها از او متنفر باشند، مبعوض ملت‌ها باشد، برایش خیلی خسارت سنگینی است. آنها اشتباه کردند این کار را کردند. هر کس دیگر هم این کار را بکند، اشتباه کرده.

آنچه که من به طور قاطع عرض میکنم، این است که به توفیق پروردگار یک حرکت جدیدی در این منطقه آغاز شده است. این حرکت، حرکت ملت‌هاست؛ حرکت امت اسلامی است؛ حرکت با شعار اسلام است؛ حرکت به سمت اهداف اسلامی است؛ نشان‌دهنده‌ی بیداری عمومی ملت‌هاست و طبق وعده‌ی الهی، این حرکت قطعاً و یقیناً به پیروزی خواهد رسید. ملت ایران سرافراز است، مفتخر است و خرسند است که آغازکننده‌ی این راه بوده است و ایستادگی و استقامت کرده است. نسل جوان امروز که روی کار آمدند، انقلاب را ندیدند؛ اما از انقلابیون آن روز اگر محکمتر نباشند، کمتر نیستند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد این جوانان عزیز ما را حفظ کن. پروردگارا! رحمت و فضل خودت را بر ملت عزیز ما نازل کن. پروردگارا! خدمتگزاران به این ملت و به این حرکت و به اسلام و مسلمین را روزبه‌روز عزیزتر و سربلندتر بفرما. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد ارواح طیبه‌ی شهیدان و روح مطهر امام بزرگوار را از ما خشنود بفرما. ما را هم از فیض و رحمتی که به آنها داده‌ای، برخوردار کن.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(1) شعار «مرگ بر منافق» حاضران